

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال یازدهم، شماره ۴۰، زمستان ۸۰

بررسی روش تفسیر علامه حلی در ایضاح مخالفه السنه با تاکید بر نسخه های خطی ایضاح

دکتر بی بی سادات رضی بهابادی*

چکیده :

کتاب ایضاح مخالفه السنه لنص الکتاب و السنه تالیف علامه حلی (م ۷۲۶) است که هنوز به زیور طبع آراسته نشده است. از آنجا که مولف در این کتاب، مبانی کلامی اهل سنت را بر قرآن عرضه کرده و وجوه مخالفت آنها را نص قرآن بیان کرده است، دانشمندان این کتاب را هم در زمره کتب احتجاج و هم در عداد تفاسیر به شمار آورده اند، نسخه های خطی موجود این کتاب، از آیه ۲۱۲ سوره بقره آغاز و با پایان سوره آل عمران ختم می شود. مولف در این کتاب آیات را به شیوه تفاسیر ترتیبی ذکر کرده است و موارد مبهم را به صورت گذرا توضیح داده است. تفسیر وی نخستین گام مستقل در تفسیر کلامی آن هم کلام تطبیقی است که از این حیث اهمیت ویژه ای دارد.

* - عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

در فرهنگ اسلامی، تفسیر نگاری پیشینه ای بسیار کهن دارد، عالمانی بی شمار از سده های آغازین تاریخ اسلام تا کنون در جهت تبیین آیات الهی قلم زده و با نگاشته های خود، آثار مکتوب فرهنگ اسلامی را شکوه بخشیده اند، اما با همه اعتبار و اهمیتی که این بخش از فرهنگ اسلامی دارد، هنوز تفاسیر بسیار ارزشمندی در گوشه و کنار کتابخانه های جهان وجود دارد که چشم به راه همتی بلند و محققى پرحوصله و ناشری با ایمان نشسته است.

در زمره این تفاسیر کتاب ایضاح مخالفه السنه لنص الکتاب و السنه به خامه علامه حلی (م ۷۲۶) است که گزارشی از آن تقدیم می گردد.

مؤلف کتاب

حسن بن یوسف بن علی بن مطهر ابومنصور حلی در سال ۶۴۸هـ در حله متولد شده وی در محیطی مملو از علم و تقوی رشد کرد و در محضر اساتید بزرگی چون پدرش یوسف بن علی بن مطهر حلی (م ۶۸۰)، محقق حلی (م ۶۷۶) خواجه نصیر الدین طوسی (م ۶۷۳) ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹) و ... علم آموخت.^۱

علامه در دانش و هوش سر آمد اقران بود و قبل از این که به سن تکلیف برسد به مرحله اجتهاد رسیده بود.^۲ پس از محقق حلی، منصب زعامت و مرجعیت شیعه در سن بیست و شش سالگی به او رسید و این خود دلیل مکانت علمی اوست.^۳ علامه در زمینه های بس گوناگون، آثاری فراوان تالیف کرده است، حتی برخی شماره تصنیفات او را به پانصد^۴ یا هزار رسانده اند.

۱. رک عبدالله افندی اصفهانی. ریاض العلماء و حیاض الفضلاقم، کتابخانه مرعی، ۱۴۰۱، ص ۳۷۵ - ۳۶۶ و محمد باقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، مکتبه اسماعیلیان، (بی تا) ۷۳/۲ و عبدالله مامقانی تنقیح المقال فی علم الرجال. چاپ سنگی. ۳۱۵/۱
۲. شیخ عباس قمی. الفوائد الرضویه فی احوال علما المذهب الجعفریه (بی جا) (بی تا) ص ۱۲۶
۳. محمد بن حسن الحر العاملی. امل الامل (بی جا) مکتبه الاندلس، ۱۳۸۵ هـ، ۴۸/۲
۴. فخرالدین طریحی. مجمع البحرین. تهران. موسسه البعثه، ۱۴۱۵ هـ، ۱۲۶۱/۲

اما آثاری که از علامه باقی مانده و به صورت خطی و چاپی موجود است، صد و بیست کتاب است.^۱

بنا به نقلی وی نخستین کسی بود که حدیث را به اقسام مشهورش تقسیم کرد.^۲ علامه مناظرات متعددی داشته است و در پی این مناظرات بود که سلطان اولجایتو شیعه شد^۳ و به دنبال آن بسیاری از امرا و به دنبال آن بسیاری از مردم به تشیع گرویدند.

علما و دانشمندان در مکانت علمی علامه، بسیار سخن گفته اند که تنها به ذکر گفته تفرشی اکتفا می کنیم. او وقتی به نام علامه حلی می رسد، می نویسد: به خاطر رسیدن او را توصیف نکنم، زیرا این کتاب من گنجایش ذکر علوم، تالیفات، فضائل و نیکی های علامه را ندارد.^۴ علامه پس از مسافرتی به ایران در سال ۷۱۶ به حله بازگشت و سال ۷۲۶ در آنجا وفات نمود.

نسبت کتاب به علامه حلی

علامه حلی در علوم و فنون مختلف، تالیفات بسیار داشته که خود نام برخی از آنها را در کتاب خلاصه الاقوال^۵ و نیز در ضمن اجازه خود به ستیدمهتابن سنان^۶ ذکر کرده است.

۱. رک: عبدالعزیز طباطبایی، مکتبه العلامه الحلی، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۱۶ هـ.
۲. محسن امین. اعیان الشیعه. بیروت. دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ، ۴۰۱/۵ بنابر نقل شیخ بهایی در مشرق الشمسین، تقسیم حدیث به اقسام صحیح، حسن، موثق وضعیف ابتکار علامه حلی بود اما به نقل صاحب معالم در منتفی الجمان سید بن طاووس نخستین واضع اصطلاحات مزبور بوده است. رک: کاظم مدیر شانه چی. علم الحدیث و درایه الحدیث، قم دفتر انتشارات اسلامی (بی تا) ص ۳۸
۳. رک: قاضی نورالله شوشتری. مجالس المومنین. تهران. کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ هـ، ۳۵۷/۲ وعباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول. تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ هـ، ص ۳۱۸-۳۱۳
۴. مصطفی ابن الحسین تفرشی. نقد الرجال. قم. موسسه آل البیت، ۱۴۱۸ هـ، ۷۰/۲-۶۹
۵. رک: حسن بن یوسف الحلی. خلاصه الاقوال. قم. منشورات الرضی. ۱۴۰۲ هـ ص ۴۸
۶. محمد باقر مجلسی. بحار الانوار. تهران. المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۱ هـ ۱۴۹/۱۰۷-۱۴۷

نام کتاب ایضاح مخالفة السنه لنص الكتاب و السنه در دو اثر فوق الذکر نیامده است ، اما علامه در کتاب نهج الصدق و كشف الصدق ، ضمن بحث در این مطلب که انسان فاعل افعال خویش است می نویسد : جبریه مخالفان نصوص قرآند که از جمله آن مخالفت با نصوص و آیات بی شماری است که دلالت بر استناد افعال به خود ما دارد . من در کتاب ایضاح مخالفة السنه لنص الكتاب و السنه و جوهی را که در آن جبریه با کتاب عزیز مخالفت کرده اند ، بیان کرده ام .^۱

شیخ حر عاملی هنگام ذکر تالیفات علامه ، به کتاب مذکور اشاره کرده و می نویسد : علامه در آن روشی عجیب پیموده است و مخالفت اهل سنت با هر آیه و حتی بیشتر کلمات را از جهات بسیاری یاد آور شده است.^۲

موضوع کتاب

دانشمندان این کتاب را هم در زمره کتب احتجاج و هم در عداد تفاسیر به شمار آورده اند . صاحب الذریعه می نویسد : از آنجا که در این کتاب ، تفسیر آیات و بیان مدالیل آن است از کتب تفسیر شمرده می شود . از سوی دیگر این کتاب از کتب ردود دینی و احتجاج به حساب می آید ، زیرا مشتمل بر بیان مخالفت های اهل سنت با نص کتاب و سنت است .^۳

سید محسن امین نیز نام این کتاب را در زمره کتب علم کلام و اصول دین و احتجاج و جدل آورده است . وی در هنگام ذکر کتب تفسیر علامه می نویسد : می توان ایضاح مخالفة السنه را از کتب تفسیر نیز بر شمرد.^۴

هر چند نام این کتاب یعنی ایضاح مخالفة السنه لنص الكتاب و السنه با کتب احتجاج مناسبت بیشتری دارد ، اما بهتر است آن را از کتب تفسیر به شمار آوریم . زیرا مولف در این کتاب ، آیات

۱. حسن بن یوسف الحلی . نهج الحق و كشف الصدق . قم . موسسه دارالهجره ، ۱۴۰۷ هـ ص ۱۰۵

۲. محمد بن حسن الحر عاملی . امل الامل ، ۸۵/۲

۳. شیخ آقا بزرگ تهرانی الذریعه الی تصانیف الشیعه . قم . موسسه اسماعیلیان ، (بی تا) ، ۴۹۰/۲ و ۴۹۸

۴. محسن امین ، اعیان الشیعه . ۴۰۴/۵ و ۴۰۵

را به شیوه تفاسیر ترتیبی ذکر کرده و پس از ذکر هر آیه، موارد مبهم را به صورت گذرا توضیح داده و مخالفت اهل سنت با آیه را بیان کرده است.

مقدار موجود

جلد اول این کتاب به دست ما نرسیده است و مقدمات سودمند آن را از دست داده ایم. اما جلد دوم آن در دسترس است و مصنف در پایان آن اشاره کرده است که نگارش جلد دوم کتاب در بیست شوال ۷۲۶ در نجف اشرف به پایان رسیده است.^۱

وی همچنین در آن نگارش جلد سوم را بشارت داده است که با سوره نسا آغاز می شود، ولی تاکنون نسخه ای از جلد سوم به دست نیامده است و به احتمال قوی موفق به نوشتن آن نشده است.

دکتر حجتی بر آنست چون این کتاب چند سال قبل از وفات مولف نگاشته شده، می توان گفت: علامه تنها توانسته است تا پایان سوره آل عمران را تفسیر کند.^۲

پس این کتاب از زمره کتب ناتمام علامه است، چنانچه خود علامه در خلاصه الاقوال تصریح کرده برخی از تالیفاتش کامل و برخی ناتمام است.^۳

جلد دوم این کتاب در تمام نسخه های موجود از آیه ۲۱۲ سوره بقره (زین للذین کفروا...) آغاز و به پایان سوره آل عمران ختم می شود.

۱. تم الجزء الثانی من کتاب ایضاح مخالفة السنة لنص الكتاب و السنه و يتلوه في الجز الثالث سورة النساء علی يدالعبد الفقير الى الله تعالى حسن بن يوسف بن مطهر مصنف الكتاب تسويدا في الحضرة الشريفة الغرويه صلوات الله علی مشرفها في آخرالنهار الجمعه العشرين من شوال من سنة ثلاث و عشرين و سبعمائه و الحمد لله وحده و صلى الله علی سيدنا محمد النبي و اله الطاهرين . آمين

۲. محمد باقر حجتی . فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران . تهران .

سروش ، ۱۳۷۵ هـ . ۶۹/۳

۳. حسن بن يوسف الحلبي ، خلاصه الاقوال ، ص ۴۸

صاحب الذریعه پس از ذکر نام نسخه ها نوشته است: آنچه در نسخه های مذکور، موجود است از (زین للذین کفروا...) در سوره بقره آیه (۲۰۸) تا آخر سوره آل عمران می باشد.^۱ اشتباه وی در ذکر شماره آیه، سبب شده که متاخرین نیز این اشتباه را تکرار کنند.

نسخه های خطی

۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه بدون نقطه و به خط نستعلیق در ۲۶۱ برگ ۱۲ سطری نوشته شده است. یک صفحه از آغاز و سه صفحه از انجام آن نونویس است، سیزده برگ انجام وصال شده است و بخشی از سطور کناره به زیر وصال رفته است. هر ده برگ، یک کراسه است (مولف خود روی برگ ها، ده ده یادداشت کرده است).^۳

حسین بن محمد تقی نوری در صفحه دوم این نسخه یادداشتی دارد و تاکید کرده است این نسخه به خط مولف است: اگر به وزن این کتاب طلا پرداخت شود، فروشنده آن مغبون است و چرا چنین نباشد زیرا کتاب ایضاح مخالفه السنه لنص الكتاب و السنه تالیف آیت الله علامه حلی - طالب ثراه - است که در آن تک تک آیات را آورده و مخالفت اهل سنت در هر آیه را از وجه یا وجوه متعددی بیان کرده است و این نسخه شریف از اواسط سوره بقره تا اواخر سوره عمران است و بی هیچ شک و شبهه ای به خط شریف ایشان است.

۱. شیخ آقا بزرگ تهرانی. الذریعه، ۴/۴۹۸.

۲. محمد باقر حجتی. فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی ۳/۷۹، محمد تقی دانش پژوه و بهالدین علمی.

فهرست کتابهای خطی کتابخانه سنا (بی جا) (بی تا)، ۱/۱۴.

۳. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران. (بی تا)، ۱۳۴۷ هـ، ۱۵/۳۰.

۲- نسخه کتابخانه مجلس سنا

این نسخه در قرن هشت یا نه هجری از روی نسخه مولف نوشته شده است و با تملک محمد باقر بن محمد تقی و مهر محمد صالح ابن زین العابدین الحسینی با یادداشت محمد جلیل الحسینی است و در ۱۸۲ برگ ۱۵ سطری نوشته شده است.^۱ تصویری از این نسخه به شماره ۱۷۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۳- نسخه آستان قدس رضوی

کاتب این نسخه نامعلوم است و نسخه در ۱۱۵ برگ ۱۵ سطری نوشته شده است. عبارت قال الله تعالی، اقول و حروف ابجد که به جای شماره ایرادات به کار رفته همگی به رنگ شنگرف است. در این نسخه تاریخ کتابت آن ثبت نشده است اما در فهرست آستان قدس تاریخ کتابت آن آغاز قرن یازده ذکر شده است. به نظر می رسد تاریخ وقف به جای تاریخ کتابت آورده شده است.

۴- نسخه کتابخانه امام جمعه زنجان

این نسخه در قرن دهم نوشته شده است و تصویر آن به شماره ۲۹۷۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

کاتب این نسخه در نوشتن آن رأی و نظر خود را اعمال کرده است بدین سان که گاه مواردی را حذف و گاه چند مورد را با هم تلفیق نموده است و بدین ترتیب از حجم نسخه کاسته است.

۱. محمد تقی دانش پژوه. فهرست کتابهای خطی کتابخانه سنا ۱۴/۱

۲. علی اردلان جوان. فهرست کتب خط کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد. کتابخانه مرکزی قدس

رضوی ۱۳۶۵ هـ، ۴۱۱/۱ - ۴۱۰

روش تفسیری علامه :

علامه در تفسیر خود گاه به معنای لغات ، اختلاف قراءات ، شأن نزول ، تفاسیر مختلف از آیه اشاره دارد . وی در تفسیر سوره بقره به این موارد بیشتر توجه کرده است ، اما در تفسیر سوره آل عمران به ندرت به بیان مفهوم آیه پرداخته است.

از آنجا که بیشتر عنایت مولف در این کتاب به جنبه های کلامی آیات بوده است ، می توان آن را تفسیری کلامی به حساب آورد به ویژه این که در این کار روش شیخ طوسی در التبیان مورد نظر اوست که جنبه کلامی در آن بسیار قوی است.

در هر صورت جنبه بارز این تفسیر ، بیان مخالفت های اهل سنت نسبت به نص قرآن است.

تاثیر پذیری این کتاب از التبیان الجامع لعلوم القرآن

مطالعه کتاب ایضاح نشان می دهد که علامه مبنای تفسیر خود را ، تفسیر التبیان قرار داده است . پیروی علامه از شیخ طوسی چند صورت دارد که در ذیل به آن اشاره می شود :

لازم به تذکر است عباراتی که در گروه آمده است فقط در التبیان آمده است و مواردی که در پراکنش ذکر شده است منحصر به ایضاح است و سایر جملات بین دو کتاب مشترک است .

۱- گاه عین مطلب از التبیان نقل شده است .

به عنوان مثال در تفسیر آیه ۲۱۴ سوره بقره آمده است :

نزلت هذه الاية يوم الخندق لما اشتدت المخافة و حوصر المسلمون في المدينة و استدعاهم

الله تعالى - الى الصبر و وعدهم بالنصر .^۱

۲- گاه علامه با اندکی تغییر در تعبیر مطالب شیخ را آورده است :

به عنوان مثال در تفسیر آیه ۲۸۱ سوره بقره آمده است :

۱. محمد بن الحسن الطوسی ، التبیان الجامع لعلوم القرآن (التبیان فی تفسیر القرآن) بیروت دارالحیا التراث العربی .

(بی تا) ، ۱۹۸/۲۰

{و قوله ثم توفي كل نفس ما كسبت} {ما كسبت} قيل {فيه و جهان احدهما} توفي جزا ما كسبت من الاعمال {الثاني} {وقيل}: توفي ما كسبت من الثواب {او} {و} العقاب {لان} {فان} الكسب (يقع) على و جهين:

كسب العبد لفعله و كسبه {لما} {ما} ليس من فعله {كك} {مثل} كسبه المال.^۱

۳- گاه اقوال التبيان با حذف نام قائلان آمده است:

به عنوان مثال در تفسیر آیه ۳۹ سوره آل عمران آمده است:

بكلمة (من الله) يعنى المسيح {فى قول ابن عباس و مجاهد و قتاده و الربيع و الضحاک و

السدى و جميع اهل التاويل الا ما حكى عن ابى عبيده انه قال بكلمة} {و قيل} أى بكتاب الله.^۲

۴- و گاهی خلاصه اقوال التبيان ذکر شده است:

به عنوان مثال در تفسیر آیه ۴۸ سوره آل عمران آمده است: {و معنى قوله} و يعلمه الكتاب

{قال ابن جريج: الكتابه بيده} {اى الكتابه باليد} {و قال ابوعلی: كتاب آخر غير التوراة و الانجيل

نحو الزبور او غيره} ^۳ {او الزبور}

علامه حلی علیرغم این که در تفسیر آیات به التبيان نظر داشته است، تنها در چند مورد نام

شیخ طوسی را ذکر کرده است، وی در تفسیر آیات بقره/ ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۷۴ نام شیخ طوسی را

آورده است.

تفکر کلامی اهل سنت در عصر علامه

عنوان کتاب ایضاح مخالفة السنة لنص الكتاب و السنة است و چنانچه گذشت این کتاب

نوعی تفسیر کلامی محسوب می شود که در آن علامه حلی مبانی کلامی اهل سنت را بر قرآن

عرضه کرده و وجوه مخالفت کلام اهل تسنن را با تک تک آیات بررسی کرده است.

۱. همان. ۳۷۰/۲.

۲. همان. ۴۵۱/۲.

۳. همان ۴۶۶/۲.

حال این سوال مطرح است که تفکر کلامی رایج اهل سنت در زمان مولف یعنی نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم چه بوده است ؟

پاسخ به این سوال ، نگاهی گذرا به تاریخ را می طلبد . در نیمه اول قرن دوم ، علمای مسلمان به دو دسته تقسیم شدند : ۱- اهل حدیث یعنی کسانی که به ظواهر آیات و روایات پایبند بوده و در معنای آن تامل نمی نموده اند ، این گروه اکثریت مسلمانان را تشکیل می دادند که گروه مشبهه و مجسمه در میان آنان جای می گیرند.

گروه دوم ، معتزلیان بودند که به عقل بیش از نقل پایبند بودند و هر گاه نقل با شیوه های خردگرایانه آنان تضادی داشت ، آن را تاویل می کردند.

در طول قرون بین این دو گروه پیوسته کشاکش بوده است و گاهی اهل حدیث بر اهل اعتزال پیروز می شدند و گاهی پیروان تفکر و اعتزال بر اهل ظواهر و حدیث غالب می آمدند.

در بسیاری از اوقات پیروزی هر یک از این گروه در گرو گرایش های عقیدتی حکومت وقت بود. از این رو عصر اموی و اوایل عصر عصر عباسی ، زمان شکوفایی روش اهل حدیث بود، اما بر عکس در زمان مامون و برادرش معتصم و واثق بالله تا عصر متوکل عباسی ، عصر شکوفایی روش اعتزال بود و اعتزال مذهب رسمی این حکومت ها شد. برخی از بزرگان اهل حدیث چون احمد بن حنبل ، به سبب اعتقاد به قدم قرآن که از اصول باورهای اهل حدیث بود بازداشت شد و سی ضربه شلاق خورد.

حمایت از معتزله ادامه داشت تا این که متوکل به حکومت رسید. وی با قدرت تمام به نشر و ترویج اهل حدیث پرداخت و سایر خلفای عباسی بعد از او نیز به حمایت از اهل حدیث و سخت گرفتن بر معتزله ادامه دادند و این مساله تا زمان ابوالحسن اشعری (۲۶۰-۳۲۴) که در ابتدا معتزلی بود و بعد در زمره اهل حدیث در آمد وجود داشت .

اشعری که از مذهب اعتزال روی بر تافته و به روش اهل حدیث گرویده بود، شیوه ای کلامی ابداع کرد که تا امروز در میان اهل سنت اثر ویژه ای داشته است. به گونه ای که در اکثر نقاط مذهب کلامی رایج میان اهل تسنن، کلام اشعری است.^۱

با این مقدمه روشن شد که تفکر کلامی غالب در میان اهل تسنن در عصر علامه حلی (م ۷۲۶هـ) تفکر اشعری بوده است، زیرا حداقل از قرن چهارم یعنی زمان ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰ یا ۳۳۴هـ) و بی گمان بعد از قرن ششم هجری تاکنون، مذهب کلامی اشعری، مذهب رسمی رایج اهل سنت در همه اقطار بوده است.

انحصار طلبی اشاعره

ذکر این نکته ضروری است که متقدمان و متاخران اشاعره بر این عقیده اند که ابوالحسن اشعری، پیرو صحابه، تابعین، پیشوایان فقه و رجال حدیث بوده است و مذهبش، مذهب جدید نبوده است. آنان بر این مطلب تاکید دارند و فقط خود را اهل سنت دانسته اند.

اشعری در مقالات الاسلامیین هنگام بیان نظرات مورد قبول خود می نویسد: «هذه حکایة جمله قول اصحاب الحدیث و اهل السنه»^۲ همو در کتاب الابانه، خود در فصلی به نام «باب فی ابانه قول اهل الحق و السنه» می نویسد: اگر کسی به ما بگوید: شما که عقیده معتزله، قدریه، جهمیه، حروریه، را فضا و مرجئه را انکار کردید، اینک اعتقاد و دیانت خود را به ما معرفی کنید، به او می گوئیم: تمسک به کتاب پروردگاران عزوجل، سنت پیامبران (ص) و آنچه از صحابه و تابعین و ائمه حدیث رسیده است، عقیده ای است که به آن معتقدیم و دیانتی است که به آن پایبندیم.^۳

۱. جعفر سبحانی، بحوث فی الملل و النحل. قم. لجنة اداره الحوزه العلمیه، ۱۴۱۱ هـ، ۲/ ۵-۶ و نیز رک: احمد

محمود صبحی. فی علم الکلام. بیروت. دارالنهضة العربیه، ۱۴۰۵ هـ، ۲/ ۲۰-۱۹

۲. ابوالحسن اشعری. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. قاهره. مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۹ هـ، ص ۳۲۰

۳. ابوالحسن اشعری. الابانه عن اصول الدیانه. مصر. ادره الطباعة المنیریة، ۱۳۴۸ هـ ص ۸-۹

عبدالقاهر بغدادی (م ۴۲۹) که از فحول اشاعره است، اهل سنت و جماعت را فرقه ناجیه دانسته و آنگاه به بیان اصول و ارکان پانزده گانه ای می پردازد که اهل سنت و جماعت درباره آن هم عقیده اند.^۱

منظور علامه حلی از اهل سنت

هر چند علامه حلی، صریحا اظهار نکرده است که مراد وی از اهل سنت در این کتاب، اشاعره است، اما اکثریت قریب به اتفاق مبانی کلامی که وی بر قرآن عرضه کرده و آن را با قرآن متناقض یافته است، اصول و مبانی کلامی اشاعره است که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهد شد.

در متن این تفسیر نیز جملاتی به چشم می خورد که به گونه ای نشان می دهد، منظور علامه از اهل سنت در این کتاب، فرقه معتزله نبوده است.

وی در قسمتی از تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره اهل سنت را در مقابل معتزله قرار داده و ادعا می کند. می نویسد: این مطلب بنابر قواعد معتزله صحیح است اما اهل سنت با آن مخالفت کرده اند. بشارت در صورتی تحقق پیدا می کند که مبشر (بشارت داده شده) بدانند یا گمان داشته باشد خیراتی که بدان بشارت داده شده است به او می رسد، ولی بشارت از نظر اهل سنت تحقق پیدا نمی کند زیرا آنان در کسب شایستگی رسیدن به پاداش نقشی برای طاعت قائل نیستند و روا می دانند که مطیع عذاب شود و گنهکار به پاداش برسد. پس بشارت بنابر قواعد معتزله صحیح است و اهل سنت با آن مخالفند.

پس می توان چنین استنباط نمود که مراد علامه از اهل سنت اشاعره اند، زیرا آنان به جهت انکار حسن و قبح عقلی، طاعت را در استحقاق ثواب مؤثر نمی دانند و روا می دانند که خداوند شخص مطیع و فرمانبردار را عذاب کند و انسان گنهکار را پاداش دهد.^۱

۱. رک: عبدالقاهر بغدادی. الفرق بین الفرق. نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۷ هـ ص ۲۱۷-۱۹۱

عقاید ویژه مکتب اشاعره :

با توجه به این که علامه حلی مبانی کلامی اشاعره را به قرآن عرضه کرده است ، در اینجا به اختصار به آرائی اشاره می شود که ویژه مکتب اشاعره است و به نوعی با نظرات برخی از متکلمان غیر اشعری متفاوت است.

۱- صفات خدا

بر خلاف معتزله که صفات خدا را عین ذات می دانند اشاعره صفات خدا را زائد بر ذات او می پندارند . آنان معتقدند که خدا عالم به علم ، قادر به قدرت. مرید به اراده است.^۱

۲- صفات خبریه

از دیدگاه اشاعره صفات خبریه یعنی صفاتی که قران برای خداوند ذکر کرده است به معنای ظاهری آن حمل می شود اما بدون تجسیم و کیفیت ، بر خلاف مشبهه که این صفات را با تجسیم برای خدا ثابت می دانند.^۲

۳- رویت خداوند

اشاعره معتقدند در دنیا نمی توان خدا را به چشم ظاهر دید ولی در آخرت چنین امری میسر است .^۳

۱. ابوالحسن اشعری . اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع . (بی جا) (بی تا) ، ص ۱۶

۲. عبدالرحمن بن احمد الایجی . المواقف فی علم الکلام . بیروت . عالم الکتب . (بی تا) ص ۲۸۰-۲۷۹

۳. ابوالحسن اشعری ، مقالات الاسلامیین ، ص ۳۲۰

۴. همان : ص ۳۱۲

۴- کلام خدا

اشاعره، کلام الهی یعنی قرآن را قدیم می‌دانند. آنان میان بیان ظاهری و معنای حقیقی آن امتیازی قائل شده‌اند و گفته‌اند که قرآن از حیث این که با الفاظ و اصوات بیان شده، بی شبهه حادث است، اما معانی آن قدیم است و مخلوق نیست. آنان معتقدند قرآن کلام نفسی است و قائم به ذات، الهی و قدیم به قدم او و از صفات ذاتی اوست. برخی از ایشان معتقدند کلام نفسی همان مدلول الفاظ است و برخی بر آنند که آن مغایر مدلول الفاظ است.^۱

۵- افعال بندگان

اشعری در مقالات الاسلامیین در بیان عقیده اهل سنت و حدیث می‌نویسد: و اهل سنت اقرار دارند که خالق غیر از خدا نیست و او گناهان و اعمال بندگان را خلق می‌کند و بندگان را بر چنین امری توانایی نیست.^۲

۶- حسن و قبح

اشاعره معتقدند که وحی نسبت به عقل به منزله منشأ حقیقت و واقعیت اساسی تر است و عقل باید صرفاً تابع وحی باشد. از دیدگاه آنان، تنها وحی است که تعیین می‌کند کدام فعل حسن و کدام قبیح است، چون افعال خود به خود نه حسن‌اند و نه قبیح.^۳

۱. سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد. قم. منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۴۹/۴ - ۱۴۷ و ابوالفتح شهرستانی. الملل و النحل فی مقالات و مذاهب اهل العالم (بی‌جا) (بی‌تا) ص ۶۸ در رد کلام نفسی رک: ابوالقاسم خویی. البیان فی تفسیر القرآن نجف، انوار الهدی. (بی‌تا)، ص ۴۱۳ - ۴۰۵

۲. ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین. ص ۳۱۲

۳. رک: ابوالحسن اشعری. اللمع، ص ۱۱۷-۱۱۶ و سعد الدین تفتازانی. شرح المقاصد. ۲۸۴-۲/۲۸۹

۷- تکلیف مالایطاق

تکلیف مالایطاق از فروع مساله حسن و قبح شرعی است. اشاعره معتقدند تکلیف مالایطاق از سوی پروردگار رواست.^۱

۸- استطاعت

اشعری بر آن است که قبل از فعل استطاعت وجود ندارد، بلکه استطاعت همراه فعل است. به عبارتی بنده قبل از انجام کاری توانایی انجام آن را ندارد و همراه با انجام کار توانایی بر آن، ایجاد می شود.^۲

۹- هدف افعال الهی

یکی از فروع دیگر مساله حسن و قبح شرعی این است که تعلیل افعال خدا به اغراض محال است و افعال الهی دارای هدف نیست.

تناقض کلام اهل سنت با قرآن از دیدگاه علامه حلی :

علامه حلی (ره) در کتاب ایضاح با استناد به آیات قرآن بیان کرده است که نظر اشاعره با نص قرآن مخالفت دارد و جوهری را که علامه از آن به عنوان مخالفت دیدگاه اهل تسنن با قرآن یاد کرده است برخی به صورت صریح در عقاید اهل سنت آمده است مانند عقیده به این که خداوند فاعل افعال بندگان است اما برخی دیگر از این وجوه لازمه عقاید اهل سنت است بدون اینکه به آن تصریح کرده باشند و حتی در برخی از موارد صریحا آن را رد کرده اند. به عنوان مثال جواز صدور کذب از جانب خدا از عقاید صریحه اهل سنت نیست، اما علامه این مساله را به اهل

۱. رک: عبدالرحمن ایچی. المواقف ص ۳۳۱ - ۳۳۰، سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد ۳۰/۴ - ۲۹۶

۲. ابوالحسن اشعری، اللمع، ص ۹۴-۹۳

سنت نسبت داده است؛ شاید سبب آن باشد که آنان به حسن و قبح شرعی معتقدند و چیزی را بر خدا واجب نمی دانند.

اینک به مواردی اشاره می شود که علامه آن را مخالف اهل سنت با قرآن تلقی کرده است.

۱- امتناع صدور کذب از جانب خدا

در بسیاری از موارد علامه عباراتی از قرآن نقل کرده، به آن عنوان خبر داده است و اظهار می کند صدق این اخبار در صورتی ثابت می شود که صدور کذب از خدا ممتنع و محال باشد. اما از آنجا که اهل سنت کذب را بر خدا محال می دانند، عقیده ایشان با این نصوص سازگاری ندارد. بیشترین موارد استناد علامه در این کتاب به همین نکته است و در تفسیر همه آیات بارها به این مساله اشاره شده است. به عنوان مثال در تفسیر آیه ۲۱۲ سوره بقره، مواردی از این قبیل به چشم می خورد:

الف - (فوقهم يوم القيامة) ... خبر است به و راستی آن در صورتی پی برده می شود که دروغ بر خداوند روا نباشد و اهل سنت با آن مخالفند.^۱

ب - والله يرزق من يشا خبر است و به راستی آن در صورتی پی برده می شود که دروغ بر خداوند روا نباشد و اهل سنت با آن مخالفند.^۲

بررسی

سوال اینجاست که از دیدگاه اهل سنت صدور کذب از سوی خدا که خود فعل قبیحی است محال است یا نه؟

در پاسخ باید گفت همه علما متفقند که خداوند قادر بر انجام فعل قبیح است. علامه خود می نویسد:

۱. الف - (فوقهم يوم القيامة) ... هذا خبر انما يعلم صدقه لو امتنع الكذب على الله - تعالى - و خالفت السنة فيه

۲. ب - والله يرزق من يشا خبر، انما يعلم صدقه لو امتنع الكذب على الله - تعالى - و خالفت السنة فيه

«همه علما بر آنند که خداوند تعالی بر قبیح قادر است جز نظام»^۱
نیز در این مساله خلاف نیست که خداوند فعل قبیح انجام نمی دهد، حتی اشاعره نیز بدین
مطلب تصریح کرده اند.^۲

پس ادعای اشاعره این است که خداوند قبیحی انجام نمی دهد هر چند بر آن تواناست.
به نظر می رسد علامه از آن رو این نسبت را به اشاعره می دهد که این مساله لازمه برخی
عقاید دیگر آنان است هر چند به صورت صریح نگفته اند.
ممکن است این رای لازمه یکی از دو عقیده زیر باشد:

۱- اشاعره معتقدند خدا خالق افعال نیک و بد بندگان است. حال که خداوند خالق افعال شر
بندگان است، دروغ هم که یکی از مصادیق افعال قبیح است، از او محال و ممتنع
نیست.

۲- اشاعره به حسن و قبح شرعی معتقدند. اگر قباح افعال قبیح، ذاتی نباشد و تنها از آن
جهت باشد که شرع آن را قبیح شمرده است، رواست که خداوند به عنوان شارع هر
قیحی را انجام بدهد، به عنوان مثال دروغ بگوید.

۲- فعل بنده

علامه در بیشتر آیات به موارد متعددی اشاره می کند که در آن فعلی به بنده نسبت داده شده
است. آنگاه بیان می کند که نسبت فعل به بنده در صورتی صحیح است که بنده فاعل باشد، اما از
آنجا که اهل سنت بنده را فاعل نمی دانند با این نصوص مخالفند.

این مورد نیز از جمله مواردی است که علامه در این کتاب به آن استناد بسیاری جسته است.
به عنوان مثال، در تفسیر آیه ۲۱۲^۳ سوره بقره به مواردی از این دست اشاره می کند:

۱. حسن بن یوسف الحلّی. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم. موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ، ص ۳۰۶

۲. سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد، ۲۹۴/۴

۳. زین للذین کفروا الحیوه الدنیا ویسخرن من الذین آمنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامه والله یرزق من یشا بغیر حساب

الف - (للذین کفروا) کفر به آنها نسبت داده شده است. این نسبت در صورتی صحیح است که بنده فاعل باشد و اهل سنت با آن مخالفند.

ب - (و یسخرن) استهزا به آنها نسبت داده شده است. این نسبت در صورتی صحیح است که بنده فاعل باشد و اهل سنت با آن مخالفند.

ج - (من الذین آمنوا) ایمان به آنها نسبت داده شده است. این نسبت در صورتی صحیح است که بنده فاعل باشد و اهل سنت با آن مخالفند.

۳- هدف افعال الهی

علامه گاه به آیاتی استناد می کند که هدف و غایتی را برای افعال الهی ثابت می کند و می گوید: از آنجایی که اهل سنت معتقدند تعلیل خداوند به اغراض محال است با این آیات مخالفند. به عنوان مثال علامه در تفسیر (فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین^۱) می نویسد:

الف - در صورتی می توان پی برد که پیامبر از جانب خدا برانگیخته شده و راستگو است که اولاً خداوند برای تصدیق او معجزه ای به دستش جاری کند و ثانیاً هر کس که خداوند او را تصدیق کند صادق باشد و اهل سنت با هر دو مقدمه مخالفند. مخالفتشان با مقدمه اول از این جهت است که از نظر آنان محال است، افعال خداوند برخاسته از اهداف و مصالحی باشد. با این بیان، چگونه درست است بگوییم خداوند به فلان دلیل، معجزه را ایجاد کرد؟

۴- استطاعت

علامه در تفسیر آیه ۹۷ سوره آل عمران به موردی استناد جسته است که دلالت بر استطاعت بنده دارد سپس بیان می کند اهل سنت با این آیه مخالفند. وی می نویسد:

۱. بقره / ۲۱۳

الف - (من استطاع الیه سبیلا) استطاعت قدرت موثر است و متوقف بر وجود قدرت و اهل سنت با آن مخالفت کرده اند.

ذکر این نکته لازم است که اشاعره قدرت بنده را به علت شمول قدرت خدا غیر موثر می دانند^۱ مؤلف در جای دیگر می نویسد: ب - این آیه عقیده جبرگراها را باطل می کند که معتقدند استطاعت همراه با فعل است زیرا خداوند حج را تنها بر انسان مستطیع واجب کرده است و واضح است که استطاعت قبل از حج گزاردن تحقق پیدا می کند.

لازم به ذکر است اشاعره معتقدند استطاعت همراه با فعل است و قبل از فعل استطاعتی وجود ندارد.

۵- نقش طاعت و گناه

گاه علامه به مواردی استناد جسته است که دلالت می کند طاعت عامل ثواب و عصیان عامل عقاب است و سپس تأکید می کند اهل سنت با این نصوص مخالفند .

وی در توضیح (فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین) می نویسد:

بشارت در صورتی تحقق پیدا می کند که مبشر (بشارت داده شده) بداند یا گمان داشته باشد خیراتی که بدان بشارت داده شده است به او می رسد، ولی بشارت از نظر اهل سنت تحقق پیدا نمی کند زیرا آنان در کسب شایستگی رسیدن به پاداش نقشی برای طاعت قائل نیستند و روا می دانند که مطیع عذاب شود و گناهکار به پاداش برسد. پس بشارت بنابر قواعد معتزله صحیح است و اهل سنت با آن مخالفند.

لازم به ذکر است، روا بودن تعذیب شخص مطیع و فرمانبردار، و ثواب دادن به انسان گناهکار از فروع مسأله حسن و قبح شرعی است.

۱. رک: عبدالرحمن ایچی، المواقف، ۱۶۱-۱۵۰

۶- صفات الهی

علامه در یک مورد به بطلان عقیده اشاعره در باره صفات باری تعالی اشاره کرده است :
وی در تفسیر آیه ۲۶۳ سوره بقره می نویسد :

الف : در صورتی خداوند غنی است که بی نیاز از همه چیز باشد خواه از نظر ذات و خواه از جهت معنا و یا غیر آن و در قدرت و علمش به غیر خود مثل قدرت ، علم و سایر معانی نیازمند نباشد و اهل سنت با آن مخالفند.

۷- اراده خدا

علامه در یک مورد اشاره کرده است اهل سنت با اقامه دلایلی اراده بنده را در فعلش دخیل نمی دانند و دلایل مطرح شده در مورد افعال خدا نیز صادق است . وی در تفسیر آیه ۲۵۳ سوره بقره می نویسد :

«(بیرید) با این عبارت خداوند اراده را برای خود ثابت کرد اما مرید بودن خداوند با عقاید اشاعره همخوانی ندارد، زیرا آنان اراده بنده را به دو دلیل نفی می کنند: آن دو دلیل در مورد خداوند نیز صدق می کند و عبارت است از: ۱- خداوند آنچه را که بنده انجام می دهد می داند، پس آن فعل واجب می شود و اراده به واجب تعلق نمی گیرد. ۲- فعل در حالت تساوی (یکسان بودن انجام و عدم انجام آن) ممتنع الوقوع است و در حالت ترجیح (انجام) واجب الوقوع است و صحیح نیست که واجب اراده شود پس اراده به فعل تعلق نمی گیرد.»
پر واضح است که اشاعره اراده خدا را عام و فراگیر می دانند و علامه این اشکال را لازمه عقیده دیگر آنان که نفی اراده بنده است ، می داند

۸- رزق

علامه در یک مورد به عقیده اشاعره در رابطه با ارزاق اشاره می کند و آن را در تناقض با قرآن می داند وی در تفسیر آیه ۲۵۴ سوره بقره می نویسد :

«الف - (مما رزقناکم) رزق آن چیزی است که انسان می خورد از آنچه که خداوند بر او مباح کرده است. اما اشاعره معتقدند رزق آن چیزی است که انسان می خورد، خواه آن روا باشد و یا حرام. این عقیده با امر به انفاق منافات دارد (زیرا خداوند امر نمی کند از مال حرام انفاق کنید) و اهل سنت با آن مخالفند.»

همان گونه که علامه ذکر کرده است از دیدگاه اشاعره، رزق و روزی به هر چیزی اطلاق می شود که خداوند به بنده رساند و او آن را بخورد، پس این رزق از جانب خداست خواه حلال و خواه حرام باشد زیرا از خداوند چیزی زشت نیست.^۱

ملاحظه شد این اصل نیز از فروع حسن و قبح شرعی است.

۹- متعلق اراده الهی:

علامه در مواردی نیز به بطلان عقیده اشاعره درباره متعلق اراده الهی اشاره کرده است. وی در ذیل آیه ۱۰۸ سوره آل عمران می نویسد: «با عبارت «ما الله یزید ظلما للعالمین» خداوند اراده ظلم را از خود نفی کرده است و اهل سنت معتقدند خداوند خواهان ظلم است و گرنه هرگز ظلمی واقع نمی شد.»

ذکر این نکته ضروری است که معتزله معتقدند خداوند خواستار طاعت از مومنان و کافران است خواه انجام گیرد و خواه انجام نشود و معاصی را اراده نکرده است خواه واقع شود یا نشود، اما اشاعره معتقدند هر آنچه واقع شود مراد خداست چه طاعت باشد و چه معصیت.^۲

۱. عبدالرحمن ایجی، المواقف، ص ۳۲۰

۲. رک: محمد بن الحسن الطوسی، تمهید الاصول فی علم الکلام، تهران. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۳۶۲ هـ ص ۱۱۳-۱۱۴ و عبدالرحمن ایجی. المواقف. ص ۳۳۳-۳۲۰

۱۰- عصمت امام

در چند مورد علامه به آیاتی استناد می‌جوید که از نظر او دلالت بر وجوب عصمت امام دارد سپس بیان می‌کند اهل سنت با این نص مخالفند چون معتقدند واجب نیست امام معصوم باشد. وی در تفسیر آیه ۲۶ سوره آل عمران^۱ می‌نویسد: «بلخی و جیایی معتقدند، روا نیست خداوند ملک و فرمانروایی را به انسان فاسق عطا کند. زیرا چنین کاری در اختیار قرار دادن امر بزرگ سیاست و تدبیر همراه با مال فراوان است و خداوند خود فرموده است عهد من به ستمکاران نمی‌رسد.^۲ در حالی که ملک از بزرگترین عهدهاست. این مطلب منافاتی با آیه «الم تر الی الذی حاج ابراهیم فی ربه ان اتاه الله الملك»^۳ ندارد، زیرا مراد از ملک، نبوت و مرجع ضمیر «ه» ابراهیم است و یا منظور از ملک مال است نه سیاست و تدبیر و «ه» به شخص محاجه کننده بر می‌گردد و این بعینه دلیل است بر این که امام معصوم باشد و اهل سنت با آن مخالفند.^۴

۱. قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشا

۲. بقره / ۱۲۴ لا ینال عهدی الظالمین

۳. بقره / ۲۵۸ آن کسی را که خداوند به او پادشاهی ارزانی کرده بود ندیدی که با ابراهیم درباره پروردگارش محاجه می‌کرد.

۴. باید توجه داشت این مطلب که روا نیست خداوند ملک و فرمانروایی را به انسان فاسق عطا کند، با آیات قرآن منافات دارد زیرا در قرآن ملک هم بر فرمانروایی حق و هم بر فرمانروایی باطل اطلاق شده است. فرمانروایی حق مثل یوسف / ۱۰۱ «رب قد آتینتی من الملک» که سخن یوسف است، بقره / ۲۵۱ «و قتل داود جالوت و آتاه الملک» که در مورد داود است و نیز ص / ۳۵ «هب لی ملک» که در مورد سلیمان است. فرمانروایی باطل مثل مومن / ۲۱ «یا قوم لکم الملک الیوم» که خطاب مومن آل فرعون به فرعونیان است، زخرف / ۵۱ «قال یا قوم الیس لی ملک مصر» که سخن فرعون است.

علامه طباطبایی می‌نویسد: فرمانروایی در مورد اهل آن نعمت است و اگر در اختیار افراد ناشایست قرار گیرد نعمت است (المیزان ۱۳۱/۳) چنانچه ملاحظه شد دلیل مطرح شده از جانب علامه چندان دلیل محکمی بر عصمت امام نیست و ادله محکمتری نیز در این باب وجود دارد.

اهل سنت معتقدند واجب نیست امام معصوم باشد. فخر رازی تحت عنوان «لا یجب ان یکون الامام معصوما» می نویسد: دانشمندان ما (اشاعره) معتزله، زیدیه، خوارج بر آنند که واجب نیست امام معصوم باشد و اسماعیلیه و اثنی عشریه این امر را واجب می دانند.^۱

ملاحظه شد این عقیده بر خلاف عقایدی که قبلا بیان شده منحصر به اشاعره نیست بلکه معتزله و سایر فرق دیگر نیز به آن ملتزمند.

۱۱- افضلیت امام

علامه در یک مورد اشاره می کند اهل سنت معتقدند افضل مردم بعد از پیامبر، ابوبکر است^۲ و بدین سان با نص قرآن مخالفند.

وی در ذیل آیه مباحله می نویسد:

«امامیه به این آیه استناد جسته اند و به دو صورت بیان می کنند که امیرالمومنین (ع) از همه اصحاب پیامبر (ص) برتر است و اهل سنت با آن مخالفند.»

۱۲- ایمان

علامه در یک مورد به آیه ای استناد جسته است که دلالت می کند ایمان به معنای تصدیق است و با افعال جوارح فرق می کند وی بیان می کند که جماعتی از اهل سنت با این نص مخالفند.

وی در تفسیر آیه ۲۷۷^۳ سوره بقره می نویسد:

۱. فخرالدین رازی، الاربعین فی اصول الدین. مصر، مکتبه الکلیات الازهریه، (بی تا) ۲/۲۶۳ و نیز قاضی عبدالجبار بن احمد. شرح الاصول الخمسه (بی جا) مکتبه وهبه، ۱۴۰۸ هـ ص ۷۵۲

۲. رک: ابوالحسن اشعری. مقالات اسلامیه ص ۳۳۳، و عبدالقاهر بغدادی. الفرق بین الفرق ص ۲۱۱

۳. ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربهم ... آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند و نماز خوانده اند و زکات داده اند مزدشان با پروردگارشان است ...

«این آیه دلالت می کند که ایمان با افعال جوارح و اعضا متفاوت است و ایمان فقط تصدیق قلبی است زیرا چیزی بر خودش عطف نمی شود (عملوا الصالحات عطف بر آمنوا است) اگر عمل به جوارح از ارکان ایمان بود دوباره ذکر نمی شد.»

ذکر این نکته ضروری است که متکلمان در ماهیت ایمان هم رای نیستند. برخی آن را تصدیق می دانند. برخی دیگر آن را اقرار توأم با معرفت می دانند. برخی آن را تصدیق و اقرار می دانند و گروه دیگر آن را اقرار به زبان، تصدیق به قلب و عمل به ارکان تفسیر می کنند. مشهور است که اشاعره، ایمان را تصدیق می دانند و معتزله آن را مجموعه ای از تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به جوارح می دانند.

پس اشاعره معتقدند ایمان تصدیق قلبی است^۱ و در این مورد مراد علامه از اهل سنت اشاعره نیست زیرا اشاعره خود نیز به چنین آیاتی استدلال کرده اند.^۲ و روی سخن وی با سایر فوق به ویژه معتزله است و شاید به همین علت علامه فقط در این مورد نوشته است: «و خالفت جماعة من السنه» و مثل سایر موارد عبارت «و خالفت السنه فیه» را نیاورده است.

۱۳- کند شمردن نصرت الهی از سوی رسول خدا

علامه در تفسیر آیه ۲۱۴ سوره بقره^۳ می نویسد:

الف - «متی نصرالله» معنای آن درخواست پیروزی از خداست و در هر صورت جایز نیست معنای عبارت استبطا و کند شمردن نصرت الهی باشد زیرا رسول می داند خداوند پیروزی را از وقتی که حکمت اقتضا می کند به تاخیر نمی اندازد و اهل سنت با آن مخالفند زیرا می گویند

۱. رک: عبدالرحمن ایجی، المواقف، ص ۳۸۴

۲. همان، ۳۸۵

۳. ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البأسا والضراً حتى يقول الرسول و الذين آمنو معه متي نصرالله الا ان نصرالله قريب می پندارید که به بهشت خواهید رفت و هنوز آنچه بر سر پیشینیان شما

آمده بر سر شما نیامده؟ به ایشان سختی و رنج رسید و متزلزل شدند تا آنجا که پیامبر و مومنانی که با او بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟ بدان که یاری خدا نزدیک است.

معنای عبارت، کند شمردن نصرت پروردگار است. و صدور چنین مطلبی از جانب رسول خطاست و بر انبیا روا نیست.

پروسی

علامه در تفسیر آیه بیان کرده اهل سنت (متن نصرالله) را استبطا و کند شمردن نصرت الهی معنا کرده اند. حال باید دید آیا اهل سنت به چنین قولی ملتزمند؟ آیا دانشمندان شیعه تفسیری برای آیه ارائه نداده اند؟

بهرتر است ابتدا تفسیر طوسی را از آیه بیان کنیم که منبع اصلی علامه در تفسیر بوده است. وی می نویسد: گروهی گفته اند: معنای آن دعا و طلب پیروزی از خداست و در هر حال جایز نیست معنای آن کند شمردن نصرت الهی باشد، زیرا رسول می داند که خداوند پیروزی را از وقتی که حکمت اقتضا می کند به تاخیر نمی اندازد و گروهی گفته اند: معنای آن کند شمردن نصرت الهی است، اما این نظر اشتباه است و چنین سخنی بر انبیا روا نیست مگر این که به معنای کند شمردن نصرت خدا در زمانی باشد که حکمت الهی تاخیر آن ایجاب می کند و عبارت (الا ان نصرالله قریب) رای کسی را تقویت می کند که آن را بر سیل استبطا بداند.

ملاحظه شد شیخ طوسی تنها به دو تفسیر از این عبارت اشاره کرده و اشاره ای به اختلاف نظر فرق کلامی ننموده است و اگر چنین اختلافی مشهور بود با توجه به روشی که وی در تفسیر خود دارد به آن اشاره می نمود و علامه هنگام تلخیص این عبارات شیخ، وجه استبطا را به اهل سنت نسبت داده است، علاوه بر این که شیخ طوسی تصریح کرد که عبارت (الا ان نصرالله قریب) موید قول دوم است.

مفسران اهل سنت نیز هر یک به نوعی سعی در زدودن این شبهه داشته اند و سخن پیامبر را برای طلب صبر و پیروزی دانسته اند^۱ و حتی برخی گفته اند: این کلام، سخن مومنان بوده است نه پیامبر (ص)^۲

از طرفی برخی از مفسران امامیه معتقدند اشکالی ندارد رسول برای طلب پیروزی موعود، چنین سخنی بگوید.^۳ پس در این مورد نمی توان نظر اهل سنت را مخالف با نظر امامیه قلمداد کرد.

کرامات اولیاء

علامه در یک مورد به آیه ای استناد می جوید که در آن از کرامات حضرت مریم (س) سخن به میان آمده است، آنگاه بیان می کند که اهل سنت با نص قرآن مخالفند زیرا کرامات اولیا را قبول ندارند.

وی در ذیل آیه ۳۷^۴ سوره آل عمران می نویسد:

رزق آن چیزی است که انسان از آن بهره مند می شود به گونه ای که هیچ کس نمی تواند آن را از انسان باز دارد این که میوه تابستان در زمستان و میوه زمستان در تابستان برای مریم فراهم بود و وی در گهواره سخن می گفت و هر گز از پستانی شیر ننوشید و روزیش تنها از بهشت می

۱. محمود بن عمر زمشخری. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت. دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ. ۲۵۶/۱ محمود و آلوسی. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت. دارالحیا التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ، ۲/۲۰۴ و اسماعیل الحقی البروسوی. تفسیر روح البیان. بیروت. دارالحیا التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ، ۳۳۰

۲. محمد بن جریر طبری. جامع البیان عن تاویل آی القرآن، بیروت. دارالفکر. (بی تا). ۳۴۱/۲ و فخرالدین رازی. التفسیر الکبیر. مصر. المطبعة البهیة. ۱۳۵۷ هـ. ۲۲/۶

۳. محمد حسین طباطبایی المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت. موسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۳۹۳، ۱۵۹/۲.

۴. کلمه دخل علیها زکریا المحراب و جد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا قالت هو من عند الله و هر وقت که زکریا به محراب نزد او می رفت پیش او خوردنی می یافت. می گفت: ای مریم، اینها برای تو از کجا می رسد؟ مریم می گفت، از جانب خدا.

رسید. کرامتی از جانب خدا بود که خداوند آن را به اولیا و صالحین عطا می کند هر چند که پیامبر نباشند و اهل سنت با آن مخالفند .
باید توجه داشت که جمهور اشاعره نیز مساله کرامات را قبول دارند و تنها معتزله^۱ به این مساله قائل نیستند.^۲

منابع

- آلوسی . محمود . روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی ، ط ۴ . بیروت . دار احیا التراث العربی ، ۱۴۰۵ هـ
- اردلان جوان . علی . فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس . مشهد . کتابخانه مرکزی قدس رضوی ، ۱۳۶۵ هـ
- اشعری ، ابوالحسن . الابانه عن اصول الديانه . مصر . اداره الطباعه المنیریة ، ۱۳۴۸ هـ
- اشعری ، ابوالحسن . اللمع فی الرد علی اهل الزیغ و البدع . (بی جا) (بی تا)
- اشعری ، ابوالحسن . مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین . قاهره . مکتبه النهضه المصریه ۱۳۶۹ هـ
- افندی اصفهانی . عبدالله . ریاض العلما و حیاض الفضلا . قم . کتابخانه مرعشی ، ۱۴۰۱ هـ
- اقبال آشتیانی . عباس . تاریخ مغول . تهران . انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۴ هـ
- امین . محسن . اعیان الشیعه . بیروت . دارالتعارف للمطبوعات ، ۱۳۶۷ هـ
- ایچی . عبدالرحمن بن احمد . المواقف فی علم الکلام . بیروت . عالم الکتب ، (بی تا)
- بغدادی . عبدالقاهر . (بی جا) نشر الثقافه الاسلامیه ، ۱۳۶۷ هـ
- تفتازانی . سعدالدین . شرح المقاصد . قم . موسسه آل البیت لاحیا التراث ، ۱۴۱۸ هـ

۱. معتزله در مورد الطاف خداوند که شامل حال مریم شد دو قول دارند ۱- تاسس در زمینه نبوت عیسی بود (بلخی)
۲. این الطاف به دعای زکریای پیامبر به مریم ارزانی شد و معجزه او بود (جبائی) رک : فضل بن حسن طبرسی . مجمع البیان ۷۴۰/۲

۲. حسن بن یوسف الحلی . منهاج الیقین فی اصول الدین . قم . یاران . ۱۴۱۶ هـ ص ۲۸۳

تفرشی . مصطفی ابن الحسین . قم . موسسه آل البيت لاحيا التراث ، ۱۴۱۸ هـ
تهرانی . شیخ آقا بزرگ . الذریعه الی تصانیف الشیعه . قم . موسسه اسماعیلیات ، (بی تا)
حجتی . محمد باقر . فهرست موضوعی نسخه های خطی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران .
تهران . سروش ، ۱۳۷۵ هـ

الحر العاملی . محمد بن الحسن . امل الامل . مكتبة الاندلس ، ۱۳۸۵ هـ
الحقی البروسوی . اسماعیل . تفسیر روح البیان . بیروت . دارالحیا التراث العربی ، ۱۴۰۵ هـ
الحلی . حسن بن یوسف . خلاصه الاقوال . منشورات الرضی ، ۱۴۰۲ هـ
الحلی ، حسن بن یوسف . كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد . قم . موسسه النشر الاسلامی ،
۱۴۰۷ هـ

الحلی ، حسن بن یوسف . منهاج الیقین فی اصول الدین . قم . یاران ، ۱۴۱۶ هـ
الحلی ، حسن بن یوسف . نهج الحق و كشف الصدق . قم . موسسه دارالهجره ، ۱۴۰۷
خویی . ابوالقاسم . البیان فی تفسیر القرآن . نجف . انوار الهدی ، (بی تا)
دانش پژوه . محمد تقی و بهالالدین علمی . فهرست کتابهای خطی کتابخانه سنا . (بی جا) (بی تا)
رازی . فخرالدین . الاربعین فی اصول الدین . مصر . مكتبة الکلیات الازهریه ، (بی تا)
رازی ، فخرالدین ، التفسیر الکبیر . مصر . المطبعة البهیه ، ۱۳۵۷ هـ
زمخشری . محمود بن عمر . الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل . بیروت . دارالکتب العربی ،
۱۴۰۷ هـ

سبحانی . جعفر . بحوث فی الملل و النحل . قم . لجنه اداره الحوزه العلمیه ، ۱۴۱۱ هـ
شوشتری . نورالله مجالس المومنین تهران . کتابفروشی اسلامیة ، ۱۳۵۴ هـ
شهرستانی . ابوالفتح . الملل و النحل فی مقالات و مذاهب اهل العالم (بی جا) (بی تا)
صبحی . احمد محمود . فی علم الکلام . بیروت . دارالنهضة العربیه ، ۱۴۰۵ هـ
طباطبایی . محمد حسین المیزان فی تفسیر القرآن . بیروت . موسسه الاعلمی للمطبوعات ، ۱۳۹۳ هـ
طباطبایی . عبدالعزیز . مكتبة العلامة الحلی . قم . موسسه آل البيت ۱۴۱۶ هـ

- طبری . محمد بن حریر . جامع البیان عن تاویل آی القرآن ، بیروت . دارالفکر ، (بی تا)
- طبرسی . فضل بن حسن . مجمع البیان فی تفسیر القرآن . بیروت دارالمعرفه ، ۱۴۰۸ هـ
- طریحی . فخرالدین . مجمع البحرین . تهران . موسسه بعثت ، ۱۴۱۵ هـ
- طوسی . محمد بن حسن . التیان الجامع لعلوم القرآن (التیان فی تفسیر القرآن) . بیروت . داراحیا التراث العربی ، (بی تا)
- طوسی . محمد بن حسن . تمهید الاصول فی علم الکلام . تهران . موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۶۲ هـ
- فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ، تهران ، ۱۳۴۷
- قاضی عبدالجبارین احمد . شرح اصول الخمسه ، (بی جا) . مکتبه وهبه ، ۱۴۰۸ هـ
- قمی . شیخ عباس . الفوائد الرضویه فی احوال العلما المذهب الجعفریه . (بی جا) ، (بی تا)
- مامقانی ، عبدالله . تنقیح المقال . چاپ سنگی
- مجلسی . محمد باقر بحار الانوار . تهران . المکتبه الاسلامیه ، ۱۳۹۱ هـ
- مدیر شانه چی ، کاظم . علم الحدیث و درایه الحدیث . قم . دفتر انتشارات اسلامی ، (بی تا)
- موسوی خوانساری . محمد باقر . روضات الجنات فی احوال العلما و السادات . قم . مکتبه اسماعیلیات (بی تا)